

در گفت‌وگو با «شرق» بیان شد

روایت زیباکلام از حاشیه‌های روزهای تبلیغات انتخابات

حسین سخندان؛ ماه‌گرد انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۹۶ فرا رسیده است. یک ماه از روز انتخابات می‌گذرد؛ انتخاباتی که از چند ماه قبل، فضای کشور را کاملاً تحت‌تأثیر قرار داد و در ایام نسبتاً طولانی تبلیغات رسمی-نسبت به ادوار گذشته- به اوج خود رسید. چهره‌هایی از اصلاح‌طلبان در آن ایام، پای ثابت سخنرانی‌ها در سراسر کشور بودند و هر روز در استانی و شهری می‌شد آنان را دید. دکتر صادق زیباکلام ازجمله این چهره‌ها بود. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران برخلاف بسیاری از استادان این حوزه، ترجیح داده بیشتر با افکار عمومی و مخاطبان عادی سیاست، طرف گفت‌وگو باشد و به همین دلیل، نوشته‌ها و گفته‌های بسیاری از او در رسانه‌ها به چشم می‌خورد و دعوت هیچ مجموعه‌ای برای سخنرانی با منظره‌ا ربی پاسخ نمی‌گذارد. زیباکلام در گفت‌وگو با «شرق»، درباره مشاهدات خود در ایام انتخابات و مباحثی که بیشتر در سخنرانی‌ها و نشست‌ها مطرح شده، نکات جالب توجهی را مطرح کرده است.

۲ در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری، تقریباً در تمام کشور سخنرانی داشتید. از نتیجه به‌دست‌آمده راضی هستید؟

بله، تقریباً هر هفته چند سفر انتخاباتی رفتم. در آن یک ماه منتهی به انتخابات، تنها احساسی که نداشتم خستگی بود. خیلی اتفاق افتاده بود که از یک استان می‌آمدم و پرواز بعدی‌ام به یک استان یا شهرستان چند ساعت بعد بود و صرف نمی‌کرد به منزل بروم. در همان سالن فرودگاه یا در نماز خانه می‌خوابیدم. گیلان، مازندران، اصفهان، ایلام، مشهد، کردستان، گلستان، خوزستان و سیستان‌وبلوچستان ازجمله این استان‌ها بود. برای مثال شبی که وارد اهواز شدم سخنرانی داشتم. فردای آن روز رفیقیم مسجدسلیمان، رامهرمز و هفتکل. ی‌ا در ایلام به جز خود ایلام در شهرستان‌های سایله و ایوان هم سخنرانی داشتم و شب آمدیم کرمانشاه برای پرواز. گیلان البته دو بار رفتم. بار اول در خود رشت، انزلی و آستانه‌اشرفیه بود و بار دوم روزهای آخر بود که دو سخنرانی خیلی بزرگ در خود رشت داشتم به‌علاوه در شهرستان‌های رودبار، رضوانشهر و فومن. چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت صبح از رشت حرکت کردیم و یکی، دو تا ماشین از مسئولان ستاد آقای روحانی بودند. رفیقم رامسر، عباس‌آباد، شهسوار، جالوس، نور، بایلسر، بابل، ساری، قائمشهر، جوپار و بهشهر تا آنجا که یادم می‌آید. آخرین شهر بهشهر بود. سخنرانی‌ام حدود ۱:۳۰ بعد از نیمه‌شب بود و حدود سه برگشتیم ساری و حرکت کردم به سمت تهران.

۲ مردم تا ساعات اولیه بااماد در برنامه‌های انتخاباتی حضور داشتند؟
بله، خیلی خیلی زیاد. مثلاً در بهشهر با اینکه ۱:۳۰ بعد از نیمه‌شب بود فکر کنم چندین هزار نفر منتظر بودند. در فومن، نجف‌آباد، خوانسار و خیلی نقاط دیگر شرایط به همین شکل بود. تقریباً همه‌جا چه در شهرهای بزرگ و چه شهرهای کوچک اکثریت جوانان و اقشار و لایه‌های امروزی‌تر بودند.

۲ مخالفان نمی‌آمدند؟

آن‌قدر جمعیت طرفدار زیاد بود که صدای مخالفان گم می‌شد. البته چند مراسم که در سالن بودیم سعی می‌کردن با شعار و سروصدا مانع سخنرانی شوند. سعی می‌کردم جمعیت هواداران اصلاحات و دولت را آرام کنم و بعد هم خطاب به معترضان می‌گفتم که ۳۶۵ روز از سال ۲۴ ساعت رادیو وتلوویزیون که ما مالیات آن را می‌دهیم دست شماست. سایر تریبون‌های مناسبتی و غیرمناسبتی هم همین‌طور ما تحمل می‌کنیم. اما شما یک ساعت هم حاضر نتسیدید اکثریت را تحمل کنید. ولی این‌قدر جمعیت زیاد می‌شد که صدای آنها به جایی نمی‌رسید. البته کارهای دیگر هم می‌کردند. مثلاً یکی از کارهای متداول آنها این بود جایی که من سخنرانی می‌کردم با صدای بلند از طریق بلندگوها، آهنگ و سرود پخش می‌کردند. برای مثال در نجف‌آباد اصفهان در تکیه بزرگ وسط شهر سخنرانی می‌کردم هواداران اصولگرایان با ۵۰، ۴۰ موتور، اطراف آنجا حرکت می‌کردند و گاز می‌دادند.

۲ اصلی‌ترین محورهای سخنرانی‌ها چه بود؟

چند تم کلی داشت. نخست این بود که چرا سطح اخلاق در این انتخابات به‌شدت نزول کرده و تندروها از گفتن هیچ مطلب غیرواقع و دادن وعده‌های عوام‌فریبانه صرفاً به‌منظور کسب رأی خودداری نمی‌کنند و برای اصول و اخلاق ارزش قائل نیستند. دومین محور این بود که روحانی در این سه‌سال‌ونیم معجزه‌نکرده اما کارنامه‌اش به آن سباهی که طرف مقابل سعی می‌کند نشان دهد، نیست. سومین نکته این بود که اقتصاد ایران یک اقتصاد بیمار، ناکارآمد و فاسد است و از زمان انقلاب صنعتی در قرن هجدهم تا به امروز محض نمونه حتی یک اقتصاد دولتی هم نتوانسته موفق شود. چه روحانی، چه احمدی‌نژاد، چه حتی اگر آقای رئیسی رئیس‌جمهورشود یا قالیاباف به پاس‌تور برود، از نظر کلان اقتصادی نمی‌توانند تغییر بنیادی‌ای به وجود آورند. همچنان که در زمان مرحوم آقای هاشمی یا آقای خاتمی به وجود نیامد. چون اقتصاد ما دولتی است و همه امکانات اقتصادی و سیاست‌ها در دست بخش خاصی است. ما باید ببینیم کشورهای دیگر همچون برزیل، آرژانتین، مکزیک، مالزی، هند، ترکیه، چین و سایرین کدام مسیر را در چند دهه گذشته رفته‌اند که توانسته‌اند از شار توسعه‌یافتگی خارج شده و تبدیل به اقتصادهای موفق صنعتی و صادرکننده شوند؟ درحالی‌که خیلی از آنها نه یک بشکه نفت داشته‌اند و

نه یک کیسول گاز، ما هم همان را الگو قرار دهیم و شعارهای پرزرق‌وبرق اما توخالی را که ۴۰، ۳۰ سال است داریم تکرار می‌کنیم، کنار بگذاریم و مسیری را برویم که درستی و کارآمدی خود را در آن اقتصادها نشان داده است.

۲ سیاست خارجی چه جایگاهی در انتخابات ریاست‌جمهوری داشت؟

تاکید من و بسیاری دیگر از سخنرانان اصلاح‌طلب این بود که مخالفان روحانی و دلوایسان درباره برجام دروغ می‌گویند که هیچ دستاوردی نداشته است. اشاره می‌کردم که چگونه قطر سه‌میلیونی به واسطه تحریم‌ها علیه ما موفق شده بود در سال ۹۲ به‌عنوان مثال ۵۰ هزار میلیارد تومان از حوزه مشترک پارس جنوبی بیشتر از ایران ۸۰میلیونی گاز برداشت کند. بعد هم به منظور نشان‌دادن اینکه ۵۰ هزار میلیارد تومان یعنی چقدر پول، توضیح می‌دادم که کل بودجه عمرانی کشور در سال ۹۵ کمتر از ۱۳ هزار میلیارد تومان و کل بودجه سالانه محیط زیست‌مان ۳۰۰ میلیارد نداشت، همین‌که تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دکتر ظریف توانست کشور ۵۰ هزار میلیاردتومانی که قطر در سال ۹۲ بیشتر از ما گاز برداشت کرده بود صرفاً یکی از ضرر و زیان‌های سیاست خارجی اصولگرایان در فاصله ۸۴-۹۲ است و خدا می‌داند چه هزینه هنگفتی برای کشور به بار آورد بدون آنکه دستاوردی برای منافع ملی‌مان داشته باشد. همچنین اضافه می‌کردم اگر دولت روحانی هیچ دستاورد دیگری هم برای کشور دربر نداشت، همین‌که تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای دکتر ظریف توانست کشور را از چاه وبلی‌که اصولگرایان در زمان احمدی‌نژاد ایران را با سر‌درون آن انداخته بودند بیرون آورد، بزرگ‌ترین خدمت بود. این را هم توضیح می‌دادم که برخلاف آنچه تندروها تبلیغ می‌کنند که هیچ‌یک از تحریم‌ها را برنداشته‌اند، در نتیجه برداشته‌شدن برخی از تحریم‌ها، کمپانی‌های بزرگ نفتی غربی نتوانسته‌اند به ایران بازگردند و برای نخستین بار در اوایل امسال برداشت گاز ایران از پارس جنوبی با قطر برابر شده و به‌علاوه افزایش تولید و صادرات نفتی هم به شکل قابل توجه و سریعی رخ داده است که نفع همه اینها برای مردمی است که از سیاست‌های دولت قبل، لطمه خورده‌اند. تاکید می‌کردم بدون تردید اگر تحریم‌ها برداشته نشده بودند، کمپانی‌های بزرگ نفتی نمی‌توانستند به ایران بیایند و ما همچنان در همان وضعیت قبل از روحانی به سر می‌بردیم؛ درحالی‌که کشور رو به قهقرا می‌رفت و فقط شعار می‌شنیدیم.



برای جوانان و دانشجویان، شرایطی که کشور از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی در دوران حاکمیت اصولگرایان از سال ۸۴ پیدا کرده بود را تشریح می‌کردم. همه تلاش من این بود که به آنها ثابت کنم اشتباه می‌کنند و انتخابات در ایران بسیار جدی است و رأی ما روی سرنوشتمان اثر می‌گذارد و این تئوری‌های توطئه و توهमत دایی‌جان‌نابلونی را کنار بگذارند

-

۲ مطالبات سیاسی و اجتماعی هواداران دولت و اصلاحات، با چه پاسخ‌هایی از طرف سخنرانان همراه می‌شد؟

چه در جاهایی که چند سخنران بودیم و چه در سخنرانی‌هایی که به تنهایی می‌رفتم، حرف ما این بود که در زمینه آزادی‌های مدنی، تأمین حقوق شهروندی، انتخابات آزاد و این دست مسائل دولت روحانی تلاش‌هایی داشته که شاید نظر همه حامیان ایشان را تأمین نکند، اما دو نکته را هم توضیح می‌دادم: نخست اینکه برخی از آن توقعات ازجمله رفع حصر اساسا در دست آقای روحانی به‌عنوان رئیس قوه مجریه نیست. نکته دوم اینکه در برخی حوزه‌های آزادی‌های سیاسی واقعا پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته است؛ ازجمله در دانشگاه‌های کشور. خیلی‌ها فراموش کرده‌اند با اساسا متوجه نشدند که در آن سال‌ها چه فضایی در دانشگاه‌های کشور حاکم شد. تعدادی دانشجو مشکلات امنیتی پیدا کرده بودند. تعدادی از تحصیل محروم شدند، ساره‌دار و تعلیق شدند، خیلی که شانس می‌آوردند از آنها تعهد گرفته می‌شد که نباید هیچ فعالیت سیاسی داشته باشند. تشکلهای مستقل دانشجویی منحل شدند و فقط به تشکلهای مشخصی اجازه فعالیت داده می‌شد. در انجمن‌های اسلامی مستقل بسته شده بود. بماند اخراج، تعلیق و بازنشتکی ده‌ها استاد. این فضای دانشگاه‌ها در دور دوم ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد یعنی از مهر سال ۸۸ به بعد بود. من به دانشجویان و جوانان می‌گفتم واقعا فضای دانشگاه‌های کشور را از زمان روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی با قبل از آن مقایسه کنید تا متوجه تفاوت‌ها شوید. تشکلهای مستقل دانشجویی مجدداً ظاهر شده و جان گرفته‌اند، بساطی که کمیته‌های انضباطی به راه انداخته بودند، بسیار محدود شده است. برخی از استادانی که اخراج یا محروم از تدریس در دانشگاه شدند به علاوه شمار قابل‌توجهی از دانشجویان محروم از تحصیل مجدداً به دانشگاه‌ها بازگشته‌اند. واقعا وضعیت و فضای آزادی که در دانشگاه‌های کشور در دولت آقای روحانی به وجود آمده را با دوران دوم آقای احمدی‌نژاد مقایسه نکنید.

۲ هیچ‌وقت دچار این ناامیدی می‌شدید که ممکن است آقای

سیاست



عکس: رونقه رستمی، شرق

روحانی رأی نیاورد و آقای رئیسی انتخاب شوند یا مجدداً حوادث برخی انتخابات گذشته تکرار شود؟
اگر بگویم نه، دروغ گفته‌ام.

۲ توضیح می‌فرمایید؟

توضیح آن مقداری پیچیده است. ببینید یکی از موضوعاتی که تقریباً در همه سخنرانی‌ها می‌گفتم این بود که سرنوشت این انتخابات در دست کسانی است که نمی‌خواهند در انتخابات شرکت کنند. حسب آمار وزارت کشور در ۲۹ اردیبهشت نزدیک به ۵۶ میلیون رأی‌دهنده داشتیم. من سید آرای اصولگرایان را حدس می‌زدم که در حدود ۱۰ میلیون نفر باشد که خب حدس من در عمل درست نبود و ۱۶ میلیون نفر به آقای رئیسی رأی دادند. سهم اصلاح‌طلبان را تخمین می‌زدم که از ۱۵ میلیون نفر بالغ می‌شد. بر حسب تخمین من قبل از انتخابات، ۲۵ میلیون در انتخابات پای کار بودند. یعنی نیازی به تشویق و ترغیب نداشتند و می‌رفتند پای صندوق. اما ۳۱ میلیون کسانی بودند که انتخابات را به‌رحال قبول نداشتند و نداشتند و همین حرف‌هایی که می‌زنند که اینها همه یک بازی برای قریب مردم است. اینها یعنی آقای روحانی و رئیسی همه دستشان در یک کاسه است و من افتخار می‌کنم شناسنامه‌ام سفید است و از این دست حرف‌ها...

۲ چقدر برای این گروه، داده و استدلال ارائه کردید؟

۳۱ میلیون آرای خاکستری یا به قول فرنگی‌ها undecided رأی‌دهندگان، عددی نزدیک به ۶۰ درصد آرا را شامل می‌شدند. مشخص بود که با هیچ حرف و نقلی نمی‌شد همه آن ۳۱ میلیون را پای صندوق رأی آورد، اما یقین داشتم که درصدی را می‌توان قانع کرد. ببینید ما اگر می‌توانستیم ۳۰ یا حتی ۲۰ درصد آنها را پای صندوق بیاوریم، نزدیک هفت تا ۱۰ میلیون رأی می‌شد که رأی روحانی را از ۱۵ میلیون به بالای ۲۰ میلیون می‌رساند و کار را در همان مرحله اول تمام می‌کرد.

۲ چرا این‌قدر مطمئن بودید که اگر آنها پای صندوق می‌آمدند آرای خود را به سود روحانی به صندوق می‌ریختند؟

واضح است. ببینید شما اصلاً نیازی ندارید که رأی‌دهندگان بالقوه اصولگرا را ترغیب کنید که رأی بدهند چراکه آنها زودتر از اصلاح‌طلبان پای صندوق هستند. همچنین شما نیازی ندارید اصلاح‌طلبان بالقوه را هم ترغیب کنید پای صندوق‌ها بروند. نیاز اصلی، قانع‌کردن خاکستری‌ها بود. واضح است که هر زمان آنها پای صندوق‌ها بیایند به اصولگرایان رأی نخوانند داد یا دست‌کم کسب قابل‌توجهی از آنها کاملاً مخالف اصولگرایان و سیاست‌های محدودکننده آنان هستند. بنا براین من مطمئن بودم هر صد نفری را که بتوانیم مجاب کنیم، بالای ۸۰ درصد آنها به آقای روحانی رأی خواهند داد.

۲ از نتیجه دعوت از آنان راضی هستید؟

اولاً تعدادشان خیلی زیاد بود و هست. آخرش هم دیدیم که با وجود همه تلاش‌ها، نزدیک ۱۵ میلیون نفرشان باز هم حاضر نشدند در انتخابات شرکت کنند. بنابراین ما راجع به نزدیک به ۳۰ میلیون رأی‌دهنده‌ای صحبت می‌کنیم که خیلی مطمئن نبودند که در انتخابات شرکت خواهند کرد. مقصودم این است که ما راجع به دو، سه یا پنج میلیون رأی صحبت نمی‌کردیم. پای ۳۰ میلیون رأی در میان بود که بیش از ۸۰ درصد آنها اگر می‌رفتند پای صندوق به آقای روحانی رأی می‌دادند و طبیعی بود ما تلاش‌های تری برای این دسته داشته باشیم. ما قبلاً دیده بودیم مثلاً در دوم خرداد ۷۶ وقتی بخش عده‌ای از آرای خاموش به صحنه آمدند یک نامزد کمتر شناخته‌شده با ۲۰ میلیون رأی رئیس‌جمهور شد. این‌بار هم اگر می‌توانستیم موج به راه بیندازیم اصولگرایان هیچ کاری از دستشان ساخته نبود به‌علاوه اینکه وزارت کشور دولت روحانی، به طور جدی روند انتخابات و تحلفات احتمالی را رصد می‌کرد.

۲ جدای از مطالبی که در بالا به آنها اشاره کردید، خطاب به تحریمی‌ها نکته خاصی می‌گفتید؟

بله، به آنها می‌گفتم اشتباه می‌کنید که فکر می‌کنید اینا همه بازی است و انتخابات هیچ تأثیری روی سیاست‌های کلان کشور و زندگی ما ندارد. تاکید می‌کردم برای تغییر و پیشرفت هیچ راهی جز صندوق رأی نداریم. صندوق رأی معجزه نمی‌کند اما رأی مستقیم ما بر سرنوشت نهادهای انتخابی تأثیرگذار است. در پاسخ آنهایی که می‌گفتند از رأی ما نفع خودشان بهره‌بردار می‌کنند هم می‌گفتم اشکالی ندارد اما درواقع رأی شما به مثابه یک فرماندم است. مسئله این است که نگذاریم با انتخاب آقای رئیسی کشور دوباره به شرایط دوران احمدی‌نژاد بازگردد. به آنها نشان می‌دادم چطور همه احمدی‌نژادی‌ها گرد آقای رئیسی و ستادهای ایشان جمع شده‌اند. پس فردا که آقای رئیسی رئیس‌جمهور شدند از سبوتیس و کره ماه که همکارانش را نمی‌آورند همین آقایان احمدی‌نژادی‌که الان همه‌کاره ستادها و کمیبن انتخاباتی او هستند، فردا می‌شوند اعضای دولتش. در سال ۸۴ هم همین نیروهای سیاسی و اجتماعی که حامی آقای رئیسی هستند با همه وجود از آقای احمدی‌نژاد حمایت می‌کردند. برای جوانان و دانشجویان، شرایطی را که کشور از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی در دوران حاکمیت اصولگرایان از سال ۸۴ پیدا کرده بود تشریح می‌کردم.

ادامه در صفحه ۱۱

ادامه از صفحه اول

ضرورت تغییر در رویکرد شورای عالی ...

دراین‌باره پیشنهاد شد برحسب ماده ۴ «این‌نامه چگونگی تشکیل و اداره شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری» و بند ۶ از ماده ۵ اساسنامه شورای‌عالی ایران‌گردی و جهانگردی (مصوب ۱۳۷۰) دبیر محترم و دبیرخانه شورا در راستای تحقق اهداف قانون‌گذار، توسعه صنعت گردشگری و تعالی میراث فرهنگی بر حسب اولویت برای تشکیل کمیسیون‌های تخصصی ذیل اقدام کنند:

۱. کمیسیون بررسی و تدوین سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های کلان برای تعیین راهبرد و برنامه‌های اصلی صنعت گردشگری ایران و راهایی از اعوجاج و سردرگمی موجود در این بخش دانش‌محور و تخصصی؛ خوشبختانه از نظر تدوین تئوری، راهبرد، برنامه و اجرا، جامعه علمی کشور آمادگی داشته و دستاوردهای چشمگیری دراین‌باره دارد و از طرفی در ماده صد قانون برنامه ششم سازمان میراث مکلف شده تا پایان سال اول اجرای قانون، برنامه سند راهبردی توسعه گردشگری را با رویکرد استفاده حداکثری از بخش خصوصی ارائه دهد.

۲. کمیسیون جلب حمایت بخش‌های دولتی، غیردولتی، بخش تعاونی و خصوصی برای ایجاد حساسیت و برانگیختن عزم ملی و اقدام به مشارکت همه دستگاه‌ها و نهادها در این صنعت فرابخشی و به‌ویژه اجرای «این‌نامه تشکیل کانون ملی هماهنگی گردشگری کشور» (۱۳۸۳) با هدف راهایی از رکود، بزرگ‌کردن بازار گردشگری کشور، گسترش تولید و خدمت و ایجاد اشتغال پایدار برای جوانان و فارغ‌التحصیلان؛ در همین راستا در بند اول ماده صد قانون برنامه ششم توسعه تهیه و الحاق یبوست تخصصی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای همه طرح‌های توسعه بزرگ و مهم در حوزه‌های زیربنایی، تولیدی و خدماتی در سطوح ملی، منطقه‌ای، استانی و شهری نیز مورد تصویب و تاکید قرار گرفته است.

۳. کمیسیون تسهیل، تشویق و تسریع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای جلب و جذب سرمایه‌های ملی و بین‌المللی؛ متذکر می‌شود بیشترین استقلال سرمایه‌گذاری پس از توافق‌نامه بین‌المللی برجام معطوف به این بخش بوده و این مهم توجه و رویکرد ویژه‌ای را از سوی دولت و بخش خصوصی می‌طلبد. شواهد و تجربه‌ها حاکی از آن است که نظام بانکی و اداری و حقوقی کشور برای این امر تمرین نکرده و آمادگی لازم را ندارد. نگارنده این سطور با کمک کارشناسان بین‌المللی و بانکی پیشنهاد تشکیل واحد مخصوص ترویج و ارتقای سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری (IPUT) را به رئیس کل محترم بانک مرکزی ایران و تعدادی از بانک‌های کشور داده است. ۴. کمیسیون پیگیری و اجرای قوانین شورای سازمان و شورای‌عالی ایران‌گردی و جهانگردی؛ به‌ویژه برای نظارت بر اجرای مصوبات و سیاست‌های ابلاغ‌شده به دستگاه‌های اجرایی و اتخاذ تصمیم نسبت به مسائلی که از طرف اعضای شورا مطرح می‌شود و همچنین اقدام برای تشکیل کمیسیون‌های لازم به منظور ابلاغ سیاست‌ها و اجرای قوانین و مصوبات شورای‌عالی.

۵. کمیسیون بررسی، نظارت و پیشنهاد ساماندهی صدور روایید برای اتباع خارجی به منظور تسریع در لغو روایید برای گردشگران و تسریع در تحقق ویزای الکترونیکی برای آنها. ۶. کمیسیون پیشنهاد تشکیل شورای مشابه شورای‌عالی در هریک از استان‌های مقصد گردشگری؛ طبق بند چهارم این‌نامه تشکیل و اداره شورای‌عالی برای برانگیختن مشارکت مدیران و نخبران استان‌ها و تحقق اهداف آمایش سرزمین و مشارکت ملی و محلی در توسعه گردشگری است که با توجه به وضعیت کنونی این صنعت یک ضرورت اصلی برای توسعه مشورت در فرایند تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌ها است.

نگاه

لزوم تأسیس رادیو وتلوویزیون خصوصی



نعمت احمدی حقوق‌دان

تدوین‌کنندگان قانون اساسی تحت شرایط خاص زمانه انقلاب و با توجه به عملکرد رژیم سابق در موضوعات مختلف اصول قانون اساسی را تدوین کردند. در بخش اقتصادی اصل ۴۴ نظام اقتصادی را تعریف کرد و برابر این اصل نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر سه پایه دولتی، تعاونی و خصوصی تعریف شد.

بخش دولتی شامل همه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتی‌رانی و راه و راه‌آهن که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است.

به استناد این بخش از اصل ۴۴ قانون اساسی در واقع نوعی حاکمیت دولتی بر کل اقتصاد سایه افکند و عمده فعالیت‌های اقتصادی زیرمجموعه حاکمیتی دولت قرار گرفت. وقتی گستره حاکمیتی دولت بر اقتصاد نمود پیدا کرد، طبیعی است اقتصاد بخش خصوصی توان رقابت با آن را ندارد.

بخش خصوصی اقتصاد به استناد اصل ۴۴ قانون اساسی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدماتی می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی باشد. این نوع نگاه به اقتصاد که برگرفته از شرایط ویژه دوران انقلاب بود، نمی‌توانست دوام بیاورد. تصور این مطلب که در قرن ۲۱ بتوان دولتی را در نظر گرفت که متولی امور اقتصادی کشور، از صنعت و معدن، بانک و بیمه و هواپیما و راه و راه‌آهن باشد و سایه سنگینش بر اقتصاد خصوصی افتاده باشد، تعجب‌آور است و به اجبار از همان آغاز نوعی تقابل و تضاد در فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی و دولتی به وجود آمد.

برای نمونه همه بانک‌های خصوصی قبل از انقلاب دولتی شدن و عمل بانکداری بخش خصوصی برچیده شد. معلوم بود که بانکداری دولتی ناتوان از تأمین منابع مالی مورد نیاز بخش خصوصی است و قواعد حاکم بر بانکداری دولتی نمی‌توانست نیاز روزمره مردم را تأمین کند. دیدیم که شرکت‌های متضربه‌ای قارچ‌گونه رشد کردند و اقبال مردم به شرکت‌های متضربه‌ای دولت را به تقابل با این شرکت‌ها واداشت. غیر از شرکت‌های متضربه‌ای صندوق‌های قرض‌الحسنه که از قرض‌الحسنه تنها نام آن را یک می‌کشیدند و عملاً به بنگاه‌های معاملات تجارت پول تبدیل شده بودند، تشکیل و به معضلی اجتماعی تبدیل شدند. دولت ناچار تن به بانکداری خصوصی داد و ده‌ها بانک خصوصی با وجود تصریح اصل ۴۴ قانون اساسی اجازه فعالیت پیدا کردند.

دیگر موارد احصاشده در اصل ۴۴ هم به شیوه‌ای دیگر از انحصار دولت خارج و تنها یک مورد رادیو وتلوویزیون- که با قانون عادی اسمش شد صداوسیما- در انحصار باقی مانده است. این انحصار باعث رشد کانال‌های ماهواره‌ای شده که با پمپاژ هر نوع خبر از دروغ و راست و نیز برنامه‌های سرگرم‌کننده که با هیچ متر و معیاری سنجیده نمی‌شوند، فضای کشورمان را تسخیر کردند. پیشرفت تکنولوژی در عصر انفجار اطلاعات و دوران دیجیتال باعث رونق کنترل‌ناپذیر شبکه‌های مجازی شده است. برنامه‌سازان رادیو وتلوویزیون ایران در دنیایی سیر می‌کنند که هیچ سنجختی با ابزار و تکنولوژی جدید ندارند و چندین شبکه سراسری و ده‌ها شبکه استانی تحت امر مدیریت صدوسیما با میلیارد‌ها بودجه در کشور فعال هستند. نگارنده هر‌سما یا نوشتنه همین مطلب ساعت ۹:۲۰: صبح جمعه همه شبکه‌ها از مرکز و استان‌ها را دنبال کردم. متأسفانه یک شبکه که بتواند جلوی تغییر کانال تلویزیون را بگیرد و چند دقیقه‌ای حداقل سرگرم باشم، پیدا نکردم. طبیعی است در این وضع فضا برای شبکه‌های برون مرزی آماده و مهیا است.

کارکرد تلویزیون و رادیو را در دو بخش باید تعریف کرد: بخش نخست خبرسانی است. قصد آن را ندارم که به شیوه انتخاب خبر از سوی صداوسیما نقد و تقب بزنم. همین بس که مردم برای کسب خبر به شبکه‌های برون‌مرزی و فضای مجازی رویکرد بیشتری دارند و رسانه‌های اجتماعی مانند تلگرام و فیس‌بوک منبع خبر مردم شده است. صداوسیما را به این عرصه اگر نگویم شکست‌خورده، دست‌کم باید آن را به گوشه رینگ رانده‌شده دانست؛ اما درباره بخش سرگرمی پرسش این است که چند درصد از تولیدات صداوسیما توانسته مردم را قانع کند که دیدن برنامه‌های صداوسیما را بر برنامه‌های سرگرمی دیگر شبکه‌ها ترجیح دهند یا حداقل در شرایط مساوی انتخاب کنند؟ همین‌که ده‌ها شبکه برون‌مرزی به بخش برنامه‌های سرگرم‌کننده صندفرهنگی و صداپرائی مشغول هستن و مخاطب درخور توجهی هم دارند، دلیلی متقن بر ناکامی رادیو وتلوویزیون رسمی ایران است.

شبکه ماهواره‌ای جم ده‌ها کانال پخش برنامه دارد که انصافاً برنامه‌های آن قابل تحمل نیست؛ اما برنامه‌سازان صداوسیما مردم را به طرف این شبکه‌ها سوق می‌دهند. با منع بخش برنامه‌های ماهواره‌ای هم نمی‌توان جلوی پیشرفت کانال‌های ماهواره‌ای برون‌مرزی را گرفت. طرق مختلفی برای دیدن این کانال‌ها وجود دارد؛ از موبایل‌های هوشمند گرفته تا کامپیوتر.

مبارزه با دیش‌ها هم نتیجه‌ای نداد و برابر آمار صداوسیما بیش از ۷۰ درصد از مردم امکان دسترسی به ماهواره را دارند. به همین علت است که ناگهان در مناظره‌های انتخاباتی از زبان کاندیدها صحبت‌هایی شنیده می‌شود که از زبان اپوزیسیون برون‌مرزی شنیده می‌شد. همین موضوع ساده مؤسسات مالی و اعتباری که به صدر اخبار رسانه‌ها کشیده نشد و در شرایط عادی امکان بروز و ظهور پیدا نکرد، در رقابت‌های انتخاباتی از زبان کاندیداها مطرح شده و ...

ادامه در صفحه ۱۱